
رابطه علم و دین از منظر قرآن و حدیث؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

محسن رفیعی^۱ (نویسنده مسئول)

معصومه شریفی^۲

سیدعلی نجفی زاده^۳

چکیده

رابطه علم و دین، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. هدف اساسی از این پژوهش، بررسی رابطه علم و دین از منظر قرآن و حدیث؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب بوده که بر همین اساس، بنیادی‌ترین پرسش نیز از این قرار بوده است: دیدگاه قرآن و حدیث - با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب - درباره رابطه علم و دین چیست؟ گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه کتاب‌خانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بر اساس قرآن و حدیث و مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، دین چارچوب‌هایی برای علم رسم می‌کند و زمانی که این علم برمدار قرآن و روایات باشد، برای بشر سودمند خواهد بود. از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب، علم و دانش در

۱. عضو هیئت علمی فرهنگیان Dr_mohsen_rafiei@yahoo.com.

۲. عضو هیئت علمی فرهنگیان Dr_sharifi_masoomeh@yahoo.com.

۳. دانشجوی کارشناسی الهیات و معارف اسلامی Anajafizadeseyedali@gmail.com.

جوامع غربی، آشکارترین وسیله قدرت و ثروت آنهاست که با این ابزار به استعمار سیاسی و اقتصادی می‌پردازند. سوءاستفاده از علم، از منظر امام خامنه‌ای، مردود است و تأکید دارند که علم - اعم از محتوا، آموزش، مراکز و... - را بر اساس بنیان‌های دینی و اسلامی باید جهت داد تا موجب یک رستاخیز علمی شود. نتایج پژوهش نشان داد که محتوای علم و استفاده از آن باید بر اساس قرآن و روایات باشد. این علم، باید در دست انسان مؤمن و صالح برای خدمت بشر باشد. سوء استفاده از قدرت علمی برای استعمار مردود است و علم سکولاری در اسلام ارزشی ندارد. نیز این دین اسلام است که با برنامه خود، موجب ترقی بیشتر و کمال علم شده است.

کلید واژه: گام دوم انقلاب، علم دینی، سکولاریسم، عدم تعارض علم و دین

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

«دین، چارچوب‌هایی برای علم رسم می‌کند و هرگاه علمی بر مدار قرآن و روایات باشد آن علم برای بشر سودمند می‌باشد. تاریخچه رابطه علم و دین به دنیای غرب باز می‌گردد و از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. در برهه‌هایی از زمان‌ها، افراط و تفریط فراوان نسبت به دین و علم شده است. گاهی به نام دین، علم سرکوب شده و نادیده گرفته شده است و گاهی نیز هم به نام علم، دین را نادیده گرفته‌اند. برخوردهای نامناسب اصحاب کلیسا با متفکران و دانشمندان، موجب کینه‌ها و دشمنی‌هایی بین این دو قشر شد و تا جایی پیش رفت که اندیشمندان خواهان کناره‌گیری دین از عرصه اجتماعی شدند و عاقبت دین در کلیسا محصور شد».

۲.۱. اهمیت و ضرورت مسئله

تاریخ مناسبات علم و دین در دنیای اسلام، سرنوشتی متفاوت با آنچه در عالم مسیحیت بود، داشت؛ چرا که اساس تمدن اسلامی بر اهمیت دادن به علم و دانش است و بالاترین منزلت را برای آن قائل شده است، علم در این مکتب از ارزش بالایی برخوردار می‌باشد و مفاد علم که در چهارچوب دین باشد موجب کمال و ترقی آن می‌شود. به همین منظور است که پرداختن به رابطه علم و دین با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، از اهمیت و ضرورت برخوردار است.

۳.۱. اهداف پژوهش

هدف اساسی از این پژوهش، بررسی رابطه علم و دین از منظر قرآن و حدیث - با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب - است. در این نوشتار سعی شده است رابطه علم و دین را بر اساس نظر قرآن و احادیث بازتاب داده شود و نتیجه آن را نیز با نظر مقام معظم رهبری مورد تطبیق داده

شود و در این نوشتار این بحث مد نظر است؛ که نظریه علم دینی را که مخالفان و موافقان بسیاری دارد، اولاً از نظر قرآن و حدیث؛ ثانیاً از دیدگاه مقام معظم رهبری و - خصوصاً بیانیه گام دوم انقلاب - ایشان مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد تا این که مشخص شود مفاد علم با دین تعارض ندارد و برای رسیدن به کمال علم باید بر ضوابط دین پایبند بود.

۴.۱. پرسش‌های پژوهش

بنیادی‌ترین پرسش در این پژوهش، از این قرار است: دیدگاه قرآن و حدیث - با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب - درباره رابطه علم و دین چیست؟ و در ذیل این سؤال، پرسش‌های فرعی از این قرار می‌باشد: آیا مفاد علم و دین با یکدیگر ناسازگار است؟ قرآن و حدیث از چه دیدگاهی حمایت می‌کنند و چه دیدگاهی را رد می‌کنند؟ و یا این که در نظریه علم دینی، علم سکولار و استفاده ابزاری از علم چه جایگاهی دارد؟

۵.۱. روش تحقیق

گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه کتاب‌خانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲.۱. علم

معنای واژه لغوی علم در منابع لغت عربی بسیار است که مهم‌ترین آن شامل این تعاریف می‌باشد: الْعِلْمُ، إدراك الشيء بحقيقته - الْعِلْمُ اليقين - الْعِلْمُ نُورٌ يقذفه الله في قلب من يُحبُّ - الْعِلْمُ المعرفة «معجم البسيط، ذیل واژه علم». علم شامل: فهم شیء با حقیقتش، علم یقین است، علم نوری که خدا هر که را دوست بدارد می‌تابد، علم شناخت است. ۱. علم الشیء: عرفه وأدرك حقيقته ۲. علم الشیء: شعر به ۳. علم الأمر: أتقنه «معجم الرائد، ذیل واژه علم». علم به شیء شامل: ۱. شناختش و ادراک حقیقتش ۲. احساس به آن ۳. به

آن تسلط داشتن؛ عِلْم: مصدر عِلِمَ، جمع: عُلُوم، بِحَقِيقَةِ الْأُمُورِ: إِدْرَاكُ الْأُمُورِ عَلَى حَقِيقَتِهَا، لَهُ مَعْرِفَةٌ بِهَا «معجم مغنی، ذیل واژه علم». علم به حقیقت و ادراک امور به حقیقت شان و معرفت به آن‌ها است. معنای علم - در اصطلاح - مطلق آگاهی و ادراک است «حکیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲». یعنی دانستن که در مقابل ندانستن است و شامل مجموعه یافته‌های آدمی در برابر انسان و عالم می‌باشد، علم در معنای اصطلاحی معانی گوناگونی دارد و با رویکردهای مختلف معانی متفاوتی پیدا می‌کند به نوعی که در بین تعاریف مختلف از علم، گاهی معنی علم بین آن‌ها مشترک لفظی است برخی تعاریف به گونه‌ای است که همه علوم یا برخی از آن‌ها را در بر می‌گیرد و برخی دیگر به دانش خاصی اطلاق می‌شوند «مصباح، ۱۳۹۲/۴۳-۸۰».

علم در اصطلاح مجموعه قضایای حقیقی است که از راه «تجربه حسی» قابل اثبات باشد؛ یعنی همان علوم تجربی است که باشیوه آزمایش و خطا درستی یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند «رفیعی، ۱۳۹۹/۱۲».

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در بخش توصیه‌ها به گونه‌ای در مورد تعریف اصطلاحی علم می‌فرمایند: دانش «علم» آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. ایشان با بیان این که علم وسیله است؛ آن را ابزاری برای دست‌یابی به اهداف والاتر می‌داند ولی ایشان در ادامه این ابزار را برای هر کاری که بشر می‌خواهد انجام دهد شایسته نمی‌داند و برای آن چهارچوب قائل هستند. یکی از اصول مد نظر ایشان معنویت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۶/۶/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2852>)

مراد از «علم» در این نوشتار، مجموعه معارفی است که انسان از طرق عادی، کسب معرفت می‌کند. مقصود از طرق عادی آن است که، همه انسان‌ها می‌توانند این راه‌ها و

روش‌ها را برای کسب شناخت به کار گیرند. و درکل این نوشتار علم خاصی را مد نظر ندارد و معنای عام علم، مورد نظر است یعنی تمام آنچه بشر در زندگی خود از علوم تجربی و غیرتجربی می‌آموزد و تمام اقسام علم را شامل می‌شود؛ اصل این است که همه این علوم و دانش‌هایی که بشر کسب می‌کند چه رابطه‌ای با دین دارند و نیز علم و دین چه حدودی برای یکدیگر دارند.

۲.۲.۲ دین

معانی لغوی دین در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی چون: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است «دهخدا، ۱۳۷۷/۵۷۲-۵۷۴».

همچنین کلمه «دین» در لغت به معنای جزاء، پاداش، روز قیامت، راستی، سیاست، رای سیرت، عادت، حساب، قهر، قضاء، حکم، طاعت، تصدیق به قلب و انقیاد به جوامع می‌باشد و همچنین به معنای پایبند بودن به اصول وحی آمده است «سجادی، ۱۳۴۴/۲۷۳».

در قرآن کریم واژه «دین» بیشتر در مورد دین مبین اسلام به عنوان دینی حق یاد شده است و اصلی‌ترین مولفه‌های آن، تسلیم و حق بودن می‌باشد که برتمام ادیان غالب و چیره شده است.

واژه دین در آیات قرآن به معنای متفاوتی به کار رفته است؛ مثلاً در آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾ (صف، آیه ۹). دین به معنی کیش و شریعت می‌باشد؛ و در آیه ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ - «زمر» دین به معنای توحید، یگانگی و وحدانیت است همچنین در آیه ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ - «آل عمران، آیه ۱۹» دین به معنای تسلیم بودن در برابر حق است. «موسوی بجنوردی: ۱۳۸۷/۱۱۷»

مقام معظم رهبری «دین» را، تسلیم محض بودن در برابر خدا می‌دانند و این تسلیم بودن را مربوط به همه آحاد جامعه برمی‌شمارند که نباید هیچ گونه میل شخصی در این میان وجود داشته باشد. و این که در میان ادیان، فقط دین اسلام به معنای تسلیم بودن در برابر

حق است و این در نزد خداوند پذیرفته است.

واژه دین از دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد همین آیه ۱۹ آل عمران می‌فرمایند: «..... دین، همان تسلیم است؛ ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾. دین، تسلیم شدن در مقابل خداست؛ «و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه». دین شما باید تسلیم شدن در مقابل خدا باشد. باید بزرگمان، کوچکمان، معلمان، نظامیان، افراد عادی جامعه‌مان، به خصوص مسئولانمان، واقعاً تسلیم خدا باشند و در تصمیماتشان، برای شهوات خواسته‌ها و اغراض شخصی خودشان، شأنی نگذارند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی زمینی سپاه، ۲۱/۲/۱۳۷۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2453>)
در تعریف اصطلاحی «دین»، تعاریف متعددی طبق دیدگاه‌ها و جهان بینی‌های موجود وجود دارد؛ و هرکدام دین را در چهارچوب اندیشه‌ها و اهداف خود تعریف کرده‌اند مثل دیدگاه‌های مادی، الهیاتی، فلسفی، اجتماعی و.... و هرکدام از دین برداشت خاص خود را داشته‌اند و اصولاً در مورد تعریف دین اندیشه واحدی وجود ندارد.

اما می‌شود این‌گونه آن را تعریف کرد: دین عبارت است از مجموعه هماهنگ و متناسب از نظام‌های فکری (عقاید و معارف)، نظام ارزشی (قوانین و احکام) و نظام پرورشی (دستورات اخلاقی و اجتماعی) است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی و تاریخی از جانب پروردگار متعال برای هدایت و سرپرستی انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی نازل گردیده است؛ پس دین دارای سه عنصر عقاید، اخلاق و احکام است که فقدان یکی موجب نقصان دیگری می‌شود. «خسروپناه: ۷۲/۱۳۹۲». علامه طباطبائی دین را عقاید و دستورات عملی و اخلاقی می‌داند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند که اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورات سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان می‌شود «طباطبائی: ۴۱/۱۳۷۸».

مراد از «دین» در این نوشتار، دین حق می‌باشد؛ که شامل جنبه‌های مشترک میان ادیان توحیدی نیز می‌باشد ولی ادیان غیر توحیدی را شامل نمی‌شود زیرا؛ مطابق قرآن و احادیث

دین حق همان اسلام است و در پیش رو نوع رابطه و موضع این نوع دین و جنبه عمومی علم بر اساس قرآن و احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۳. سکولاریسم

علامه محمد تقی جعفری در تحلیل واژه سکولاریسم می‌نویسد: این کلمه در لغات نامه‌ها و دائره‌المعارف‌ها با مفاهیم زیر تفسیر شده است: «سکولاریسم یعنی مخالفت با شرعیات و مطالب دینی، روح دنیاداری، طرفداری از اصول دنیوی و عرفی. ماده سکولار وابسته به دنیا، غیر روحانی، غیر مذهبی، عامی، عرفی، بی‌سواد، خارج از صومعه، مخالف شرعیات و طرفدار دنیوی شدن امور است». (جعفری، ۱۳۷۶/۲۵/۵۱)

علم سکولار در اصطلاح، مبتنی بر نفی هرگونه نقش آفرینی دین در عرصه‌های مختلف جامعه می‌باشد که بر جامعه غربی حاکم است. مهم‌ترین منبع معرفتی علم سکولار حس و عقل «باتعریف جدید» بوده، و مهم‌ترین مبنای معرفتی آن برآزمون‌پذیری و ابطال‌پذیری استوار است. در این صورت علم به نازلترین سطح معرفتی خود یعنی حسی و تجربی تنزل می‌یابد و هرچه را در علم می‌یابند، به عرصه حس و تجربه آن را محدود می‌کنند. ضمن آن که هرگونه همراهی علم با ایمان و یقین را منتفی می‌نماید و فقط علم، نقش ابزار کسب قدرت و سیطره و تسلط بر طبیعت را ایفاء می‌کند. (گلشنی، ۱۳۷۷/۱۴)

بیشترین تعریفی که از سکولاریسم در بین عالمان و اندیشمندان رایج است؛ همان جدایی دین از سیاست است اما اصل و اساس دیدگاه سکولار، این است که هر چیزی منهای دین باشد و دین، در محدوده نیازهای عبادی شخص باشد و حق اظهار نظر و در مورد هیچ یک از مسائل جهان اعم از، سیاست، اقتصاد، علم، اجتماع و غیره را ندارد. در بحث علم سکولار هدف فقط استفاده ابزاری از علم است به گونه‌ای که قدرت اقتصادی و سیاسی خود را حفظ کند و آن چیزی است که در جهان غرب امروز وجود دارد و هیچ گونه ارزشی برای بنیادهای عمیق اعتقادی و اخلاقی در کنار این علم قائل نیستند و این اندیشه علم سکولار است که جهان غرب را به استعمار واداشته است تا به اهداف خود دست یابد و

در این زمینه هرچیز را که مانع رسیدن به اهداف دنیوی خود ببیند دشمن می‌پندارد و این قدرتی که جهان غرب در سایه علم سکولار به دست آورده فقط برای غلبه بر مردم و منافع ملت‌ها می‌باشد در این جا مشخص است که این اندیشه همراهی هیچ دینی را نمی‌پذیرد چرا که ادیان توحیدی هیچ کدام بردگی و استعمار را برای بندگان خدا نمی‌پذیرند و اعتقاد به آزادی انسان دارند که می‌تواند از علم در سایه دین در جهت آبادی دنیا گام بردارد.

مقام معظم رهبری علمی را که ابزار قدرت‌های غیر الهی است، جز تباهی و پیامدهای ناگوار برای بشر چیزی نمی‌دانند و به اقتدار علم معتقد هستند، و در صورتی که هدفی ناپاک نداشته باشد، آن را عامل پیشرفت می‌دانند و همچنین موجب استعمار منافع ملت‌ها و مردم آن‌ها نباشد و همچنین علمی که هدفش ثروت منهای اخلاق باشد پذیرفته نمی‌باشد؛ زیرا ارکان اصلی در علم، ایمان، معنویت و اخلاق است.

مقام معظم رهبری فرمودند «.... زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته از دانش آن‌هاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد. من یک وقتی این حدیث را خوانده‌ام: «العلم سلطان»؛ علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش یک اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند.... این علم دو جور می‌تواند هدف داشته باشد: یک جور هدفی که دارندگان کنونی علم در دنیا آن هدف را داشتند و دنبال کردند و آن هدف، هدفی است ناپاک و نامقدس. در آفریقا چه کردند. به کمک علم، در خود قاره آمریکا چه فجایعی را آفریدند. در آفریقا و در آمریکای لاتین، چقدر انسانهای آزاد برده شدند؛ چقدر خانواده‌ها تارومار و نابود شدند. علم را اینجوری پیدا کردن.... بنابراین جهت علم عبارت بود از حرکت به سمت ثروت، بدون رعایت ذره‌ای اخلاق و ایمان و معنویت. اگر من گوشه‌ای از آن‌ها را می‌گفتم، می‌فهمیدید که در آسیای شرقی، در آفریقا و در نقاط دیگر، به وسیله همین اروپائی‌ها و غربی‌ها و با ابزار علم آن‌ها چه اتفاقی افتاده است. چون هدف، ثروت بود، بنابراین اخلاقی وجود نداشت، مذهبی وجود

نداشت، خدائی وجود نداشت؛ ما این علم را نمی‌خواهیم». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار
 نخبگان جوان، ۱۳۸۹//۷/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/newspart->
 (index?tid=1354&npt=6

پیامبر اکرم ﷺ در یک حدیث شهوت را، آفت علم می‌دانند و آن را از مصادیق نفوسی
 شیطانی برمی‌شمارند که علم را در جهت اراده‌های شیطان مسخر می‌کند؛ در این جا
 مقصود از «شهوت» چندین نوع آن می‌باشد، از جمله شهوت به قدرت، سلطه طلبی، ثروت
 و.... است، که وقتی این‌ها توأمان با علم باشد آن علم می‌تواند برای تمام افراد خطر آفرین
 باشد ولی علمی نافع است، که مبرا از این شهوات باشد اما دوری از این شهوت‌ها در
 وظایف علم نیست بلکه وظیفه ایمان است که شهوات را از فرد عالم دور می‌کند و همچون
 سپری او را محارست می‌کند و علم او را، سود بخش قرار می‌دهد. پس علم باید در دست
 انسان مومن صالح باشد تا از جمیع آفت شیطانی و شهوات به دور قرارگیرد و در راه خدمت
 به بشر به کار گرفته شود.

قَالَ الرَّسُولُ اللَّهُ ﷻ: «مَنْ غَلَبَ عِلْمُهُ هَوَاهُ فَذَلِكَ عِلْمٌ نَافِعٌ - وَ مَنْ جَعَلَ شَهْوَتَهُ تَحْتَ
 قَدَمَيْهِ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ ظِلِّهِ»؛ رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس علمش بر هوای نفسش غالب آمد،
 آن علم سودمند است، و هر که شهوتش را زیر پا نهاد، شیطان از سایه‌اش فرار کند. «طبرسی:
 ۵۱۹ / ۱ / ۱۳۷۹»

۳. مبانی نظری علم و دین از منظر تاریخ

با یک سیر کوتاه در تاریخ درمی‌یابیم که رابطه علم و دین در جهان ابتدا به جهان غرب
 و حاکمیت کلیسا بر می‌گردد مسیحیان ابتدایی، علم را چیزی جز تعلیم دینی نمی‌دانستند و
 تعلیم دینی خود را علم می‌پنداشتند و معتقد بودند که هدف علم رسیدن به حقیقت است
 در صورتی که با داشتن آموزه‌های مسیحی به حقیقت می‌رسیم و نیازی دیگر به علم نیست؛
 حاکمیت کلیسا در قرون وسطا بر چند اصل اساسی استوار بود که به گونه‌ای هیچ مرتبه و
 منزلتی برای علم قائل نبودند دو اصل از این اصول چنین می‌باشد؛ نخست آن که بیرون از

آیین مسیحیت، هیچ گونه علم و رستگاری وجود ندارد؛ دوم این که مسیحیان از مردم عادی تا پادشاهان همه رعایای کلیسا هستند که هدایت و رهبری آن‌ها توسط حضرت عیسی مسیح به پاپ عالی‌ترین مقام کلیسا واگذار شده است. بر اساس این اصول مذکور هیچ علم و معرفتی خارج از حوزه آموزش‌های رسمی مدارس مذهبی اعتباری نداشت و کلیسا حق دخالت در امور سیاسی کشورهای مسیحی را داشت، اما بعد از ارتباط اروپاییان با مسلمانان و ترجمه کتاب‌های علمی و فلسفی به لاتین در اواخر قرون وسطا موجب شکل‌گیری اندیشه‌هایی در بین متفکران آن‌ها شد و کم‌کم علاقه به علم و پژوهش در بین آن‌ها شکل گرفت و زمینه انتقاد به رهبران کلیسا فراهم شد و نهضت رنسانس آغاز شد و به تدریج اعتراضاتی علیه حاکمیت کلیسا شکل گرفت؛ این آشنایی اروپاییان با دستاوردهای فرهنگ و تمدن اسلامی و تحولات اجتماعی و مذهبی اروپا در قرون جدید، نگرش علمی اروپایی‌ها را نیز دگرگون ساخت؛ اما این دگرگونی در بستر مبارزه با کلیسا اتفاق افتاد، و سبب پیدایش نگرش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی درباره دین، عقلانیت و علم شد؛ و این چنین القا می‌شد که علم و خردمندی با ایمان دینی منافات دارد «محیطی اردکان: ۳۱/۱۳۹۲، ۳۲...».

این مسیحیان معترض «پروتستان» ابتدا با تقلید از جهان اسلام و نحوه استفاده از علم و بینش‌های فلسفی اسلامی وجوب استفاده از علم را درک کردند و به این علت به مخالفت با حاکمیت کلیسا پرداختند اما آن‌ها هیچ‌گاه ایدئولوژی اسلام را درک نکردند و فقط به فکر رهایی از دام کلیسا و ایجاد یک جهان‌بینی مستقل از دین بودند و به آن نیز دست یافتند و به قول اندیشمندان آن‌ها، هدف از علم افزایش قدرت انسان‌ها است؛ در صورتی که این تفکر با خط و مشی اسلام بسیار متفاوت است. به دلیل همین دیدگاه است که جهان غرب، در حال حاضر دچار ضعف در بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی هستند «رفیعی، ملکی، زاهدی و دیگران...: ۱۳۱/۱۳۹۹، ۱۳۲، ۱۳۸...».

پیدایش تعارض علم و دین در غرب باعث بدبینی بسیاری از دینداران را به علم

بدین‌کرد و تصور می‌کردند شکوفایی علم باعث بد نامی دین شده است چرا که دین تا به حال در صدد محدود کردن علم بوده است و با این وجود دین بود که میان مردم اعتبار خود را از دست می‌داد، اما صد درصد این نگرش نسبت به اسلام درست نیست «ایزدی: ۱۳۷۵/ ۷۶، ۷۷، ۷۸...».

علم در اسلام به مثابه چراغ و راهنما است برای فهم اصول اساسی دین؛ و اگر هم تعارضی وجود داشته باشد از علم ناقصی است که نزد بشر می‌باشد و توان این را نداشته تمام آموزه‌های دینی را تمام و کمال تبیین کند. علم و تفکر با پیشرفت می‌تواند اسباب سعادت و ترقی انسان را فراهم کند به همین جهت دین اسلام در قرآن و روایات تأکید فراوانی بر آن دارد اما اگر رشته‌ای از علم به دست سوء استفاده گران بیفتد می‌تواند زمینه نابودی بشر و تباهی او را به بار بیاورد؛ دقیقاً مانند آن چیزی که استعمارگران از علم استفاده می‌کردند در این جا وظیفه دین است تا جامعه انسانی را از دست چنین علم مضری نجات دهد. علمی که دست آویز ستمگران شده است و هدف آن چپاول و غارت ملت‌ها و منافع آن‌هاست؛ دین در این جا در چهار چوب بنیان‌های اعتقادی و کرامت‌های انسانی که خدا برای انسان قرار داده است به اصلاح این علم می‌پردازد، بعد مشخص است که دین با علم هیچ گونه تضاد و تعاندی ندارد و هدف تنها جهت دهی به علم بر اساس معیارهای اصیل قرآنی و اصول اعتقادی ائمه «علیهم السلام» می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب، مؤلفه یک علم مفید را همراهی عنصر دین و اخلاق بیان می‌کنند، چیزی که در بنیان‌های علمی غرب دیده نمی‌شود و همین خلاء اخلاق و دین است که باعث ضعف در بنیاد و اساس جوامع آن‌ها شده است؛ یک علم هرچند مفید باشد ولی بدون دین و اخلاق نمی‌تواند سعادت صد در صدی را نصیب جوامع سازد؛ مثلاً در جوامع غربی همین نبود عنصر اخلاق و دین در کنار علم باعث ضررهایی به بنیاد خانواده‌های آن‌ها شده است به گونه‌ای که دولت‌ها در صدد رفع این مشکلات با ابزار علمی شده‌اند، در صورتی که مشکلاتی اعم از: طلاق، خیانت، شربخواری، روابط نامشروع «در پس پرده

آزادی» و همچنین سایر مسائل اعتقادی و سوالات بنیادین؛ مثل - مرگ چیست؟ - با روش‌ها و متدهای علمی قابل حل نیست و فقط با شاه کلید اخلاق و دین قابل حل می‌باشد؛ نه تنها جوامع غربی حتی جوامع اسلامی نیز اگر دین را واقعاً با علم خود عجین نکنند و اخلاق را در بطن علوم خود وارد نکنند دچار همین مشکلات خواهند شد و این‌ها تنها مختص به جهان غرب نخواهد بود.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «علم با دین و اخلاق هست که برای بشریت مفید خواهد بود». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1354>)

۴. علم دینی در اسلام؛ بر مدار قرآن و حدیث

در اسلام اولین منبع علمی که اندیشمندان مسلمان را به خود معطوف داشت قرآن و پس از آن حدیث بود، بعد اولین حوزه تعلیم علم هم در مدینه استقرار یافت و نخستین معلم شخص رسول اکرم بود. بنابراین اساس و قوام علم در مکتب اسلام، قرآن بود؛ که مکرراً مردم را به تأمل و تدبیر در احوال کائنات و تفکر در اسرار آیات دعوت کرده است بدین سان مسلمانان در صدر اسلام به علمی دست یافتند که مرجع آن قرآن بود «غفوری: ۵۸/۱۳۸۵». اساس علم از اسلام می‌باشد و سر منشأ تمامی علوم از دین است، اولین علم از خدای متعال ریشه می‌گیرد و این اندیشه ناشی از اعتقاد مسلمانان به یکی از صفات الهی به نام علم می‌باشد و خداوند عالم ازلی و ابدی است «بجنوردی: ۱۲۲/۱۳۸۷». هیمنه علم الهی بسیار فراوان‌تر از آن چیزی است که بشر تصور می‌کند؛ زیرا انسان فقط با مصداق کوچکی از علم که نزد خودش است؛ آشنایی دارد و این علم در قیاس با علم الهی همچون قطره‌ای در برابر دریاست، خداوند علاوه علم بر کلیات بر تمامی جزئیات امور آگاه است حتی به کوچکترین ذره در عالم نیز آگاهی دارد، حال این علم بشری که صاحب اصلی آن خداست قبل از انسان وجود داشته و در سیطره‌ی خداوند باری تعالی بوده است. خداوند علاوه بر علم برای بشر، دین را نیز مقرر ساخته و هر دو راه وسیله سعادت انسان قرار داده است،

آشکار است که این دو عطیه الهی هیچ وقت با هم معارض نیستند و همچون دو بال در جهت به کمال رسیدن انسان استفاده می‌شوند.

حضرت علی علیه السلام سر منشأ علوم را یکی می‌دانند، به گونه‌ای که علم دین و علم طبیعت هر دو از مصدر ذات الهی هستند. حال آیا دو علم از یک منشأ، می‌توانند معارض یک دیگر باشند و یک دیگر را نقض کنند؟ جواب معلوم است - خیر هر دو مکمل یک دیگر هستند و از یکدیگر جدا محسوب نمی‌شوند و در تضاد با هم نیستند، چرا سر منشأ این علم واحد از خداست و جدایی آن‌ها از یک دیگر موجب نقص هر کدام می‌شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العلمُ علما، علم الادیان و علم الأبدان»؛ علم بر دو گونه است: علم دین و علم بدن. حیات روح به وسیله علم دین و حیات جسد به واسطه علم بدن است و بدان که دین بر جسد شرافت دارد و نگهداری دین از نگهداری بدن لازم‌تر است «صابری یزدی: ۱۳۷۵/ج ۱/ص ۴۹».

احادیث فراوانی نیز در مورد علم در اندیشه اسلامی وجود دارد که سازگاری علم و دین را نشان می‌دهد؛ تعدادی از آن‌ها به شرح زیر است:

در احادیث صادر شده از ائمه معصومین به طرق متفاوت به اهمیت علم و علم آموزی و رابطه مثبت آن با دین اشاره شده است که این رابطه مثبت، به معنی سازگاری میان این دو می‌باشد و دلیلی بر مدعای سازگاری علم و دین است. پیامبر اسلام طلب علم را «فریضه» بر می‌شمارند، این لفظ در لغت به معنای واجب بودن است، پیامبری که خود آورنده دین اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است بر اساس قرآن معتقد است که اگراهی در دین نیست، ولی طلب علم را برای کسی که دین اختیار کند واجب می‌دانند؛ همانطور که در جایی دیگر پیامبر طلب علم را در سراسر عمر می‌دانند، از گهواره که چیزی متوجه انسان نیست و در گور هم همچنین، این اصل طلب علم است، که نشان از شأن علم آموزی دارد، دین اسلام که دین حق است، بزرگ‌ترین پیغمبر آن بعد از دادن برنامه زندگی، فراگیری علم از تولد تا مرگ را بر همه مسلمانان واجب می‌داند.

- نبی گرامی ﷺ در روایتی می فرمایند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»؛
تحصیل علم بر زن و مرد واجب است «بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۷».
- نبی مکرم اسلام ﷺ می فرمایند: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمُهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»، علم را طلب کنید از
گهواره تا گور. «نهج الفصاحة، ص ۲۱۸».

امام صادق علیه السلام در مورد قیامت و اجر عالمان می فرمایند: اجر شهید که برای دفاع از دین
اسلام جهاد کرده را با مرکبی که از مداد عالم تراوش کرده را در دو کفه ترازو قرار می دهند و
مرکب مداد علما را بر این خون برتری می دهند یعنی مرکب علم آموز در دین اسلام بر خون
شهید مدافع دین برتر است. در جایی دیگر از امام صادق «علیه السلام» رسیده که خداوند
تمامی مسلمانان دین را در قیامت مورد بازخواست قرار می دهد که چرا علم نیاموختی؟ و
چرا به دنبال علم نرفتی؟ که بنده جوابی برای این ججت آشکار خدا ندارد؛ چنین دینی که
در آخرت بندگان را درباره علم آموختن مواخذه می کند و تأکید بر فراگیری آن دارد، چگونه
امکان دارد این دو باهم مغایر باشند؟ و جز تعامل سازنده بین این دو عنصر علم و دین
رابطه ای دیگر برقرار باشد؟ و کدام عقل سالم حکم به تضاد بین این ها می کند؟.

- امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِي
صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَ وُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَّنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَعُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى
دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ»؛ (وقتی قیامت برپا شود خداوند عزوجل مردم را در زمین و سطحی واحد جمع
کرده و ترازوها را قرار می دهد و خون های شهداء با مرکب علماء سنجیده می شود و مرکب
علماء بر خون های شهداء ترجیح پیدا می کند). «من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۹»

- از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شد: منظور قرآن کریم از این که می فرماید: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ
الْبَالِغَةُ» چیست؟ «انعام، آیه ۱۴۹»؛ ایشان فرمودند: خداوند متعال در قیامت از بنده اش
سؤال می کند که آیا می دانستی؟ آیا علم آموختی؟ اگر بگوید: آری، از او می پرسد: چرا به
آنچه یاد گرفتی، عمل نکردی؟ و اگر بگوید: جاهل بودم و چیزی نیاموختم که به آن عمل
کنم، خداوند می فرماید: چرا به دنبال تعلیم علم نرفتی تا به آن عمل کنی؟ سپس آن حضرت

فرمودند: این بنده محاکمه می‌شود و این است حجت آشکار و روشن خداوند: ﴿فَيَخْصِمُهُ وَ ذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾، «امالی المفید، ص ۲۲۷».

در حدیثی زیبا از امیرمومنان علی علیه السلام که واقعا به زیبایی رابطه تعاملی و سازگارانه دین و علم را به رُخ منکرین می‌کشد می‌فرمایند: ای مردم کمال دین، طلب علم و عمل به آن است، یعنی هر کس که می‌خواهد دینش به کمال واقعی برسد باید طالب علم باشد واقعا این علم در بیان امیرالمومنان شکوفاکننده و به کمال رساننده دین می‌باشد در این سخن آشکار است که رابطه علم و دین پا را فراتر از سازگاری می‌گذارد و رابطه کمالی را در بین آن‌ها برقرار می‌کند و هر کس طالب کمال، در دین خودش می‌باشد باید در طلب علم برآید و مامور است، علم را از اهلش برای کمال دینش فرابگیرد.

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ اِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَحْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أَمَرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل بدانست، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده. عادل (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده و به شما می‌رساند ولی علم نزد اهلش نگه داشته شده و شما ماموراید که آن را از اهلش طلب کنید، پس آن را بخواهید. «کلینی الکافی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۸»

- امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَاطْلُبُوهَا وَ لَوْ عِنْدَ الْمُشْرِكِ»؛ حکمت، گم شده مؤمن است، پس آن را بیابید، حتی اگر نزد مشرک باشد. «الأمالی للطوسی، ص ۶۲۵».

در حدیثی دیگر از امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام ابن حکم می‌فرمایند: خدا دو حجت بر انسان‌ها برانگیخت، پیامبران تا ابلاغ دین و راه و رسم زندگی کنند و عقل تا از این

حجت استفاده کند. در این جا عقل و تفکر ابزار علم هستند که امام آن‌ها را در کنار پیامبران دین به کار برده است و شخصی نسبت به این فرامین الهی داناتر است که از مرتبه عقلی بالایی برخوردار باشد و صاحب علم تلقی گردد و کسی را که عقلش کامل باشد رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است؛ تکامل عقل در انسان با تکامل علم ایجاد می‌شود و این علم می‌باشد موجب فهم و درک پیام پیامبران است تا در راه سعادت گام برداریم، امام کاظم علیه السلام پیام آورنده دین را در یک کفه ترازو و عقل ابزار علم را در یک کفه ترازو قرار می‌دهند و این دو عنصر را در کنار هم قرار می‌دهد و هر دو را حجت‌های خدا می‌داند که باز هم سخن از علم به گونه‌ای سازنده در کنار دین مطرح است.

امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم می‌فرماید: «یا هشام! انّ لله علی الناس حجّتين: حجّة ظاهرة و حجّة باطنة، فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمة عليهم السلام، و اما الباطنة فالعقول»
«کلینی کافی: ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹»؛

ای هشام خداوند رسولانش را بسوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر درک می‌کنند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برتراند، نسبت به فرمان الهی داناتراند و آن کس که عقلش کامل‌تر رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است. «ای هشام! خدا دو حجّت بر مردم دارد: یکی، حجّت آشکار و دیگری، حجّت درونی و باطنی. اما حجّت آشکار، پیامبران و رسولان و امامان‌اند و اما حجّت باطنی، عقل‌هاست».

در بررسی این احادیث، علم در دین مبین اسلام پا به پای دین حرکت می‌کند و مؤکداً از آن به عنوان یاری دهنده دین یاد شده و بر بسیاری از نظریاتی که اعتقاد بر تعارض بین علم و دین دارند خط بطلان می‌کشد؛ زیرا علم در اسلام به گونه‌ای به تحقق اهداف دین کمک می‌کند و دین نیز چهار چوبی برای آن رسم می‌کند.

آیات فراوانی در مورد رابطه علم و دین در قرآن وجود دارد که مصدق رابطه تعاملی و سازگارانه دو عنصر علم و دین است تعدادی از آن‌ها به شرح زیر است:

- ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ «علق، آیه ۱، ۳، ۴»؛
 (بخوان به نام پروردگارت که آفرید بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی
 که به وسیله قلم تعلیم نمود)). خداوند در ابتدای بعثت پیامبر در ابلاغ دین سخن از علم
 آموزی با قلم می‌کند تا نشان دهد راه علم آموزی و دین یکی است.

- ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ «مجادله، آیه
 ۱۱»؛ (خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات
 عظیمی می‌بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!) قرآن ایمان و علم را به
 صورت متوالی کنار هم بیان می‌کند بعد از ایمان و علم، خداوند خود درجات بزرگی که
 همان هدایت و سعادت است نصیب آن‌ها می‌کند.

- ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ «زمر، آیه ۹» (آیا
 کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند، تنها خردمندان متذکر می‌شوند)؛
 جایگاه دانا و نادان نزد خدا یکسان نیست.

- ﴿لَا تَقَفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾ «اسرا / ۳۶»؛ (از پی آنچه نمی‌دانید پیروی نکنید)).
 خداوند شرط پیروی را داشتن علم می‌داند و از پیروی بدون علم را نهی کرده است.

- ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ «فاطر، آیه ۲۸» (از میان بندگان خدا،
 تنها دانشمندان از او می‌ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است) عالمان و دانشمندان به واسطه
 علم خود ایمان حقیقی را درک کرده و صاحب دنیا و آخرت را می‌شناسند و با این شناخت
 نسبت به خدا تقوا پیشه می‌کنند، علم مفید این است که با افزودن به درجه ایمان ترس به
 خدا را در دل عالم بیشتر کند، پس برای رسیدن به مقام خشية الهی باید بعد از ایمان به علم
 رسید تا مقام خدا را درک نمود.

۵. علم دینی

علم دینی، علمی می‌باشد که در چهار چوب جهان بینی دینی توسعه یافته باشد و به
 کارگرفته شود. هدف علم از دیدگاه اسلام در بعد نظری کشف آیات الهی و در بعد عملی

استفاده از امکاناتی است، که خدا در اختیار بشر قرار داده است. اگر مطالعه طبیعت بر اساس جهان بینی دینی باشد علم دینی و اگر فارغ از جهان بینی دینی باشد علم سکولار نام دارد. در دو قرن اخیر علم رایج در محیط های آموزشی ما علم سکولار بوده است. یکی از دلایل آن عقب افتادگی مسلمانان به ویژه ایران از دنیای غرب است، عقب افتادگی عامل این تفکر بود که باید از تمام جهات از غرب تبعیت کرد. از دلایل دیگر می توان انتقال علم غربی به کشورهای اسلامی بدون توجه به نبود بارهای فلسفی و اخلاقی این علوم اشاره کرد. بعد از حمله مغول در ایران تنها فلسفه و علوم دینی رایج بود و توجه ای به علوم طبیعی و ریاضی نمی شد؛ دوران شروع علم جدید در اروپا هم زمان با صفویه در ایران است؛ اما در ایران هیچ آثاری از این تحول نیست و از تحولات در اروپا نیز آگاهی وجود ندارد. دوران قاجار، علم جدید به ایران راه می یابد که بسیار ضعیف می باشد، و تبعیت بی چون و چرا از علم سکولار غرب است، که هیچ سازگاری با اسلام ندارد. این روند همچنان در دوران پهلوی وجود داشت که رشد و پیشرفتی حاصل نشد و عملاً از این دوره ها دست آوردی وجود ندارد، وقتی در حال حاضر به عقب نگاه می کنیم در می یابیم که در این دوران هیچ درجه ای بر قدرت علمی ایران افزوده نشده، چرا که اساس علم سکولار، تقلیدی و القایی از طرف غرب بوده و هدف آن ها هم تنها تأمین منافع خود برای استعمار بود است «گلشنی: ۱۳۷۷ / ۱۶، ۳۹».

مقام معظم رهبری علیه السلام در این رابطه پس از چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب در مورد حرکت علمی جمهوری اسلامی بر مدار دین مبین اسلام، می فرمایند: «دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت ما را به رتبه شانزدهم در میان دویست کشور جهان رسانیده و مایه شگفتی ناظران جهانی شد. همه این ها در حالی اتفاق افتاد که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بود؛ ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافتیم و این نعمت بزرگی است که باید به خاطر آن روز و شب خدا را سپاس گفت. ایشان این ها را همه مقدماتی برای حرکت عظیم

ترمی داند که می‌فرمایند: این فقط یک آغاز راه است؛ ما هنوز از قلّه‌های دانش عقبیم و باید از مرزهای دانش عبور کنیم ما از این مرحله عقبیم چون از صفر شروع کرده‌ایم؛ عقب ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی در دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرد؛ و ما را از این کاروان شتابان فرسنگ‌ها عقب نگه داشت ما باید این حرکت علمی را با شتاب سال‌ها پیش ببریم و ادامه دهیم تا این عقب‌ماندگی جبران شود». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

نتیجه استفاده تقلیدی از علم سکولار چیزی جز عقب‌ماندگی نیست. شاید به ظاهر دست آوردهایی حاصل شود اما هیچگاه تولید علم صورت نمی‌گیرد؛ تبعات علم سکولار در جهان اسلام بسیار مخرب بود که شامل: علم زدگی، بحران هویت، رواج نسبی انگاری در زمینه اعتقادات دینی و محدود کردن به امور اخلاقی و اخروی بود. در صورتی که دین اسلام برخلاف غرب سکولار همیشه از مسلمانان در فراگیری علم و دانش حمایت کرده، چرا که زنده شدن علوم را زنده شدن مسائل دینی و تقویت ایمان بشر به خدا می‌داند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «دین، طرفدار و مشوق علم است».

(بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۷۸/۷/۱۹،

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1354>)

علوم و تمام یافته‌های بشری به صورت مطلق تحت خواست و ارادی الهی است؛ چون که علم ازلی، زمینه ساز پیدایش همه علوم می‌باشد و همچنین ابزار و وسایل علم، همچون عقل ساخته و آفریده خداست؛ در اینجاست که در اسلام، نظریه علم دینی به‌طور کلی علم سکولار را رد می‌کند و معتقد است و در بینش اسلامی معیار یک علم بر اساس قرآن و حدیث، مفید بودن آن است و معیار مفید بودن این است که انسان را به سوی خدا سوق دهد و بر تقوای انسان بیفزاید، در نتیجه موجب رضایت الهی گردد. در اینجاست که هدف علم سکولار و علم دینی مشخص می‌شود که چقدر باهم تفاوت دارند.

قوی‌ترین رابطه‌ای که در بین حقیقت علم و دین وجود دارد توافق و سازگاری است و باید یادآور شد که نسبت آن نه تضاد است نه تداخل؛ بلکه هماهنگی و تعامل وجود دارد، که این تعامل می‌تواند به گفت‌وگو و همکاری میان علم و دین بینجامد. مطابق چنین رویکردی اگر چه علم و دین از حیث موضوع، غایت و هدف تفاوت‌هایی دارند ولی باهماهنگی یکدیگر می‌توانند از جهان به منزله یک کل، تبیین جامع قرار دهند. به بیان دیگر، در این تعامل علم می‌تواند افق دین را وسعت بخشد و دیدگاه دینی می‌تواند علم و شناخت ما را از جهان عمیق‌تر سازد. «علوی، صبور: ۶۳/۱۳۸۹»

قرآن کریم تأکید دارد که دانش انسان محدود است و به همه چیز دسترسی ندارد و انسان‌ها باید به واقعیات فوق طبیعی «دین» ایمان داشته باشند، علم انسان قدرت فراوانی دارد، اما محدود است و از یک سری مسائل عاجز است و جوابی برای آن‌ها ندارد؛ مثل روح چیست؟ مرگ چیست؟ علم از کجا آمده؟ اینجاست که در محدوده دین قرار می‌گیرد و دین چهار چوبی برای علم ترسیم می‌کند که به راهنمایی آن می‌پردازد.

از ائمه موصومین نیز آثار و احتجاجات بسیاری برجای مانده است، مثلاً دو اثر «توحید مفضل» و «الرسالة ذهبیه» نمونه‌هایی از علمی بودن دین و عدم تعارض آن با معارف اسلامی و با علم به خوبی نشان می‌دهند، همچنین مناظرات امام علی علیه السلام با طیب یونانی و مناظرات امام صادق علیه السلام را دلیلی بر این مدعا هستند، و آثاری همچون «الاحتجاج طبرسی» و «احجاجات مجلسی» نمونه‌هایی از مناظرات علمی ائمه «علیهم السلام» هستند. پس علم و دین نه تنها با هم متضاد نیستند بلکه متمم و مکمل یکدیگراند، علم و دین باید با هم باشند؛ زیرا علم بی‌دین و دین بی‌علم هر دو می‌تواند ضرر داشته باشد و خلاءهایی در آن‌ها است. اما علم بی‌دین ضررهای بسیاری شدیدتری را ایجاد می‌کند که باید با ایمان و اخلاق توأمان باشد «حکیمی: ۱۳۹۵/۱۳۹».

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، آن خلأ امروز دنیا است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام

صادق علیه السلام ۲۹/۱۰/۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3328>

غرب با سوء استفاده از علم توانسته اختیار سیاست و اقتصاد کشورهای دیگر را به دست بگیرد و این را تنها با استفاده از علم سکولار محقق ساخته، علمی که در بنیادهای دینی و معنوی عملاً خالی است. و توانسته با تحمیل سبک زندگی خود قدرت فراوانی برای خود کسب کند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند: «غرب با سوء استفاده از علم توانست ثروت و قدرت دوپست ساله‌ای را برای خود فراهم کند و با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست بگیرد؛ ایشان فرمودند من به سوء استفاده از علم آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنم اما موکداً به نیاز دانش و جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزم؛ نزدیک به دو دهه است، رستاخیز علمی در کشور شروع شده..... و اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان این است که با احساس مسئولیت یک جهاد علمی را در پیش گیرید و دشمن کینه‌توز را ناکام سازید.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۲۲/۱۱/۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مقام معظم رهبری سوء استفاده از علم برای رسیدن به مقصد را توصیه نمی‌کنند یعنی همان اصل «هدف وسیله را توجیح نمی‌کند» است. و استفاده از علم سکولار را برای به قدرت رسیدن و استعمار دیگران را شایسته علم دینی نمی‌دانند و با اشاره به این که غرب سکولار با تحمیل سبک زندگی به دیگران به استعمار آن‌ها پرداخته، این مهم لزوم تقویت سبک زندگی دینی را گوش زد می‌کند، اینجاست که نمی‌توان دین را حتی از سبک زندگی جدا کرد؛ چرا که موجب مستعمره شدن جامعه توسط سکولارها می‌شود.

امام خامنه‌ای به کلمه رستاخیز علمی اشاره می‌کنند که معنای - احیاء و زنده شدن - علم را بیان می‌کنند در نظر ایشان علم در گذشته تمدن اسلامی و جود داشته و در برهه‌ای از زمان توسط اندیشه سکولار به ورطه فراموشی سپرده شده است؛ که ایشان این مدت انقلاب

را رستاخیز علمی برای علم دینی و تمام علوم در سایه اسلام می‌دانند. در ادامه از تمامی جوانان مطالبه عمومی دارند که حرکتی که به عنوان رستاخیز از آن یاد شد را با قدرت پیش ببرند، ایشان از تعبیر جهاد علمی سخن به میان می‌آوردند؛ همانطور که در عرصه نظامی باید از حدود و ثغور اسلام دفاع کرد، در علم هم باید از ارزش‌های علم اسلامی و دینی دفاع کرد و جهاد گونه این مسیر را ادامه داد.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش، نشان داد که بر اساس قرآن و احادیث، علم نه تنها از دین جدا نیست؛ بلکه علم برای شکوفایی‌اش وابسته به دین است و دین نیز در قبال رابطه خود با علم موظف است، مسیر و چهار چوبی برای علم ترسیم کند تا به خطا نرود. وقتی بر این عمل شود دین ما به کمال می‌رسد و علم ما برای بشر سودمند و مفید خواهد بود که همان دیدگاه علم دینی است و برای خود مخالفان و موافقان بسیاری دارد.

دیدگاه مقابل علم دینی، دیدگاه علم سکولار است که هیچ گونه ارزشی برای دین در هیچ کدام از عرصه‌های زندگی بشر قائل نیست و بر علم بدون دین استوار است. دیدگاه علم دینی - به طور کامل - علم سکولار را رد می‌کند و فقط آن را ابزاری در دست استعمارگران می‌داند که در صدد دست‌اندازی به منافع دیگران است؛ که این عمل اصلاً مورد قبول علم دینی نیست.

بر اساس بیانیه مترقی گام دوم انقلاب، علم دینی تنها حامی خود را اصول و اساس دین اسلام می‌داند که در تمامی زمینه‌ها برای او راهگشا خواهد بود، و پیرو این دیدگاه، این نهضت انقلاب اسلامی بود که دین و دنیا را در کنار هم قرار داد و همان چیزی بود که علم دینی از آن بحث می‌کرد.

۷. فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۳۷۳، مکارم شیرازی، ناصر، قم ایران، ج ۱، چاپ ۲، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ایزدی، محمد؛ آموزگار، تابستان ۱۳۷۵، «*رابطه علم و دین*»، نشریه کلام اسلامی، شماره ۱۸.
 ۲. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۶، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران ایران، ج ۲۵، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۳. حکیمی، سیدلقمان، بهار و تابستان ۱۳۹۵، «*رابطه حدیث و علوم*»، نشریه پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۴.
 ۴. خسروپناه، عبدالحسین، زمستان ۱۳۸۹، «*چیستی و گستره علم دینی از نظرگاه آیت الله جوادی آملی*»، نشریه حکمت اسراء، شماره ۶.
 ۵. رفیعی، ملکه؛ ملکی، امیر؛ زاهدی، محمدجواد؛ *ارشاد، فرهنگ*، تابستان ۱۳۹۹، «نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی»، شماره ۲۹.
 ۶. رفیعی، شریفی، حافظی؛ تابستان ۱۳۹۹، «*جایگاه روش تفسیر علمی در روایات امام صادق*»، شماره ۲۶.
 ۷. سجادی، جعفر، ۱۳۴۴، *فرهنگ علوم نقلی و ادبی*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
 ۸. صابری یزدی، علی رضا، ۱۳۷۵، *الحکم الزاهرة، انصاری محلاتی*، قم، دوم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۹. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۸، *شیعه در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۰. طبرسی، علی ابن حسن، ۱۳۷۹، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، محمدی و هوشمند، قم، اول، دارالثقلین.
 ۱۱. علوی، سید محمد کاظم؛ صبور، نرگس، زمستان ۱۳۸۹، «*تعامل علم و دین از دیدگاه علامه طباطبائی*»، نشریه مشکوة، شماره ۱۰۹.
 ۱۲. غفوری، محمد، بهار ۱۳۸۵، «*بررسی مفهومی علم سکولار و علم دینی*»، نشریه پیک نور، شماره ۱۳.
 ۱۳. گلشنی، مهدی، ۱۳۷۷، *از علم سکولار تا علم دینی*، تهران، اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۱۴. موسوی بجنوردی، سید محمد، بهار ۱۳۸۷، «*رابطه علم و دین*»، نشریه نامه الهیات، شماره ۲.
 ۱۵. محیطی اردکان، محمد علی، ۱۳۹۲ مرداد، «*پیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب*»، نشریه معرفت، شماره ۱۸۸.